

بررسی کانسپت زمینه گرایی در آثار معماران شرق

۱. محمد رضا رضائی، ۲. فرزانه هدفی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه غیرانتفاعی اسوه، تبریز، ایران mohamadreza.rezaei@yahoo.com

۲. دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه غیرانتفاعی اسوه، تبریز، ایران

چکیده

معماری زمینه گرایی بر زمین مداری و پیوند محیط با فضا تاکید دارد و یا درک پیام بستر خود شکل می گیرد و در واقع پیامی را که بستر معماری به او انتقال داده به عینیت رسانده و طراحی می کند. در نتیجه ساختمان جزء کوچکی از طبیعت خواهد بود. در این نوع معماری هر بنایی بر اساسی زمینه های فرهنگی اجتماعی، تاریخی، کالبدی و اقلیمی و شرایط خاصی آن سایت و ساختمان طراحی و اجرا می گردد. معماری زمینه گرا تلاشی است برای نشان دادن توان محیط مطلوبی بصری در مقیاسی کلان تر از معماری در حوزه کشورهای اسلامی عصر معاصر اندیشمندان و معماران بنامی همچون حسن فتحی و نادر خلیلی و چارلز کورثا و در دوران عثمانی معمار سینان با احساس ضرورت موضوع زمینه گرایی به خلق آثاری قابل توجه و تأمل اقدام نمودند، در این مقاله سعی می شود تا جایگاه معماری بومی در کارها و اندیشه های این معماران متفکر، مورد بررسی قرار گیرد. برای اینکه بتوانیم تصویری روشن تر از تأثیر کارهای این معماران ارائه دهیم، لازم است کارهای فتحی، خلیلی، معمار سینان و چارلز کورثا را بصورت مقایسه ای، مورد بررسی قرار دهیم جنبشی که فتحی در مصر سردمدار آن بود، یا تأخیر زمانی و بصورت هوشمندانه ای توسط خلیلی در ایران و سپس آمریکا دنبال شد، معمار سینان در ترکیه عثمانی و چارلز کورثا در هند پیشرو آن بودند. این پژوهشی از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه اسناد کتابخانه ای و منابع اینترنتی صورت گرفته است.

واژه های کلیدی: طراحی معماری، زمینه گرایی ، کانسپت، معماران معاصر

۱-مقدمه

در ادبیات معماری معاصر، رویکردهای مختلفی در برگیرنده چالش رابطه فرهنگ و معماری می باشند. رویکردهایی که، عمدتاً در حوزه بحث عمومی اجتماع قرار دارند و زیرمجموعه ایده های اولیه زمینه و ارتباط هستند. برخی از این رویکردها عبارتند از: زمینه گرایی، سنت گرایی و سنت گرایی مدرن، بومگرایی و بومگرایی مدرن، تصویرگرایی، انسان گرایی و ... معماری زمینه گرا بر زمین مداری و پیوند محیط با فضا تاکید دارد و با درک پیام بستر خود شکل می گیرد و در واقع پیامی را که بستر معماری به او انتقال داده به عینیت رسانده و طراحی می کند. در نتیجه ساختمان جزء کوچکی از طبیعت خواهد بود.

با نگاهی به ساختمان ها و فضاهای شهری اطراف خود متوجه می شویم که آنچه تولید می شود ساختمان است نه معماری، رشد شهری است نه شهرسازی مراد از معماری و شهرسازی خلق آگاهانه و اندیشمندانه فضا برای زندگی فرد و جامعه است (حبیبی، ۱۳۸۵، ۹۷). یکی از پیامدهای اختلاط جوامع شهری و روستائی بی هویتی در معماری و شهرسازی دوران معاصر کشور ما است. ساختمانهایی که هم اکنون در تبریز، کرمان، مشهد، شیراز، یزد و همدان بنا می شود؛ تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند در حالی که سابقاً "شکل ساختمانها، بافت محله ها و ساختار شهرها گویای ویژگی های فرهنگی و ذوق های بومی ساکنان آنها بود. این ویژگی ها هم اکنون از بین رفته و بافت شهرها و روستاها از تاریخ و فرهنگ خود بریده اند و بدین ترتیب شاهدیم که امروزه بسیاری از ساختمانها بدون توجه به بافت و عوامل تاثیرگذار زمینه شهری شان طراحی می شوند. این